

جایگاه استراتژی دفاعی - امنیتی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در محور تحت نفوذ

محسن جمشیدی^۱، نصرت الله حیدری^۲، مهدی احمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

چکیده:

استراتژی دفاعی - امنیتی کشورها بدون توجه به قابلیت، توانمندی و جهت گیری رفتاری آنها در سطح داخلی، منطقه ای و بین المللی در حوزه سیاست خارجی امکانپذیر نمی باشد. پژوهش فوق از نوع بنیادی با روش کیفی - تفسیری و استنباط اطلاعات از طریق اسناد موجود با رویکرد توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات و داده ها نیز به طریق کتابخانه ای بوده است. بنظر می رسد استراتژی دفاعی - امنیتی ایران در راهبرد سیاست خارجی خود در منطقه و محور تحت نفوذ، اهمیت و جایگاه ویژه ای داشته و در برنامه ریزی های صورت گرفته و با استفاده از منابع و پارامترهای در اختیار، ایران مصمم است که به قدرت اول و بالقوه منطقه (هژمون منطقه ای) تبدیل شود. استراتژی دفاعی - امنیتی در بعد نظامی با استفاده از امکانات بالقوه خود و متاثر از پارامترهایی همچون: گسترش مرزهای امنیتی - دفاعی (محیط عملیاتی)، جنگهای نیابتی (تقویت گروههای نیابتی همسو)، دفاع از ژئوپلیتیک شیعه (شیعه گرایی) و پیشبرد اهداف میدان (دیپلماسی نظامی) با کمک به راهبرد سیاست خارجی در صدد تحقق این امر مهم (هژمون منطقه ای) بر آید (یافته های پژوهش). هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راهبرد سیاست خارجی ایران در منطقه و محور تحت نفوذ می باشد.

واژگان اصلی:

عوامل ژئوپلیتیک، گسترش محیط عملیاتی، دیپلماسی نظامی، استراتژی دفاعی - امنیتی، هژمون منطقه ای

^۱ : دانش اموخته ی دکتری تخصصی علوم سیاسی گرایش (مسائل ایران)، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی،

کرمانشاه، ایران، پژوهشگر سیاسی (نویسنده مسئول) . mohsenmd16@yahoo.com

^۲ : استاد یار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران .

^۳ : دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی گرایش روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

تاریخ روابط بین الملل به خوبی نشان می‌دهد ارزش جایگاه توان نظامی در هیچ زمانی حتی در عصر دیپلماسی و گفتگو، کم‌رنگ نشده، بلکه از بعد جنگ سرد تاکنون موارد زیادی وجود دارد که حاکی از افزایش بکارگیری ابزار نظامی برای پیشبرد مقاصد کشورها بوده است. نکته کلیدی در خصوص استفاده ابزاری از توان دفاعی، نوع به کارگیری آن توسط دولتها است (اسمانی کناری و طباطبایی، ۱۳۹۹: ۲۲۱). جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که در چهار راه حوادث و تحولات منطقه ای و بین المللی قرار گرفته، بیش از هر کشوری تلاش می‌کند تا شاخص‌های رفتار در حوزه ی سیاست خارجی خود را مبتنی بر درک شاخص‌های محوری بکار گرفته و در سیاست خارجی خود اعمال نماید (جمشیدی و سعیدی نژاد، ۱۳۹۹: ۸۸). ایران یکی از معدود بازیگران نظام بین الملل است که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی (واقع شدن در منطقه با اهمیت و بحران خیز)، ژئواکونومیکی (قرارگرفتن در مرکز هارتلند انرژی) و ژئوکالچری (الهام بخشی مسلمانان و مرکزیت خیزش شیعه) خود، مورد توجه قدرتهای بزرگ بوده و به علت ناسازگاری با ساختار نظام بین الملل، به موضوع امنیت در روابط بین الملل تبدیل شده است (موسوی شفائی و شاپوری، ۱۳۹۰: ۱۶۸). ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به شدت متأثر از شرایط امنیت بین المللی و منطقه ای است، هم بر آن تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. راهبرد سیاست خارجی ایران محصول کنش متقابل کارگزار ایران و ساختار جامعه ی بین الملل است (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۸). ایران مرزهای دفاعی - امنیتی خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی برده و در مقابل دشمنان موانعی ایجاد کرده و بعنوان منافع راهبردی و حیاتی برای حفظ بقای نظام سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. لذا به مانند یک دومینو حیات سیاسی هر یک از شریان‌های محور مقاومت به یکدیگر وابسته است و ایران نیز بعنوان راس هرم در مقابل دشمنان قرار دارد. پس می‌توان ادعا داشت مبانی اولیه استراتژی سیاست خارجی ایران در قبال بحرانهای منطقه و محور تحت نفوذ، دفاع جهت حفظ بقاء و امنیت ملی و منافع حیاتی خود و در درجه دوم حفظ محور مقاومت و شکل‌گیری مرزهای دفاعی - امنیتی در محور تحت نفوذ می‌باشد (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۹).

۲- بیان مسئله (تبیین بحث) : نقش استراتژی دفاعی - امنیتی کشورها بدون توجه به قابلیت ، توانمندی و جهت گیری رفتاری آنها در سطح منطقه ای و بین المللی در حوزه سیاست خارجی امکانپذیر نمی باشد. زیرا استراتژی دفاعی - امنیتی قادر است عناصر درون ساختی و برون ساختی و را با یکدیگر پیوند داده، و برنامه ریزی لازم را برای نیل به اهداف دفاعی - امنیتی مورد نظر فراهم آورد. برنامه ریزان استراتژی دفاعی اعتقاد دارند که بهترین استراتژی برای کشورهای در حال توسعه، اتخاذ استراتژی همسو و همگون با استراتژی ملی است. زیرا در چنین شرایطی ساختارها و نهادهای درونی یک جامعه با نوعی پیوستگی و انسجام داخلی رشد یافته و در نتیجه قادرند یکدیگر را به لحاظ رفتاری و کارکردی و در جهت هدف کلی تحت تاءثیر قرار دهند. مهمترین انگیزه و عالی ترین هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت- ملت که کنش و رفتار او را در عرصه بین المللی شکل می دهد، مفهوم منافع ملی است. ایران نیز همانند دیگر بازیگران ملی، در پی تأمین ارزشهایی میباشد که مبتنی بر نیازها، آمال و آرمانهای آن است. این ارزشهای محوری و بنیادی، تلویحاً یا تصریحاً در اسناد رسمی مثل قانون اساسی، سند چشم انداز بیست ساله و سیاستهای کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان شده یا در رفتار سیاست خارجی کشور تبلور یافته است. موقعیت ایران در نظام جهانی و منطقه ای و کنش و روابط متقابل آن با قطبهای قدرت جهانی و مناطق ژئوپلیتیکی، همواره مسائل جدیدی را می آفریند که مجموعاً زمینه بسیار مناسبی را برای مطالعه عوامل پویا و متحول سیاسی و علمی با تأکید بر واقعتهای جغرافیایی برای تبیین سیاست خارجی فراهم آورده است. ایران به عنوان بزرگترین کشور خلیج فارس و یکی از مهمترین کشورهای تأثیرگذار در منطقه، نیازمند این است که اهمیت ژئوپلیتیک خود را در نظام دگرگون شونده جهانی از راه ایجاد پیوندهای گسترده در روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس در ژرفای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مشخص سازد و کارایی بیشتری بخشد.

الف : سوال : استراتژی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راهبرد سیاست خارجی در منطقه و محور تحت نفوذ چه جایگاهی دارد؟

ب : فرضیه : بنظر می رسد استراتژی دفاعی - امنیتی ایران در راهبرد سیاست خارجی خود در منطقه و محور تحت نفوذ، اهمیت و جایگاه ویژه ای داشته و در برنامه ریزی های صورت گرفته و با

استفاده از منابع و پارامترهای در اختیار، ایران مصمم است که به قدرت اول و بالقوه منطقه (هژمون منطقه ای) تبدیل شود. استراتژی دفاعی - امنیتی در بعد نظامی با استفاده از امکانات بالقوه خود و متاثر از پارامترهایی همچون: گسترش مرزهای امنیتی - دفاعی (محیط عملیاتی)، جنگ‌های نیابتی (تقویت گروه‌های نیابتی همسو)، دفاع از ژئوپلتیک شیعه (شیعه گرایی) و پیشبرد اهداف میدان (دیپلماسی نظامی) با کمک به راهبرد سیاست خارجی در صدد تحقق این امر مهم بر آید.

ج: روش پژوهش: پژوهش فوق از نوع بنیادی با روش کیفی - تفسیری و استنباط اطلاعات از طریق اسناد موجود با رویکرد توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به طریق فیش برداری از منابع موجود و در دسترس (کتب، مقالات و فصلنامه‌های علمی - پژوهشی و علمی تخصصی، سایت‌های معتبر و...) داخلی و خارجی به انجام رسیده است.

د: اهمیت و ضرورت پژوهش: اهمیت و ضرورت انجام پژوهش نیز مطالعه کنش راهبردی سیاست خارجی ایران در منطقه و محور تحت نفوذ برای تبدیل شدن به هژمون منطقه ای می باشد. هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راهبرد سیاست خارجی ایران در منطقه و محور تحت نفوذ می باشد.

۳- ادبیات پژوهش (پیشینه‌ی تحقیقاتی و مطالعاتی مورد بحث): در ارتباط با موضوع مورد نظر نگارنده یعنی جایگاه ایدئولوژی دفاعی - امنیتی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در محور تحت نفوذ به صورت مستقیم منبعی یافت نشد. در ادامه مطب چند اثر را که با عنوان موضوع سنخیت بیشتری دارند به اختصار بررسی می نمایم:

- جان مرشایمر در کتاب تراژدی سیاست قدرتهای بزرگ (۲۰۰۱) که دکتر غلامعلی چگنی زاده ترجمه نموده اند عقیده دارد که ادعای رخت بر بستن جنگ و رقابت میان کشورها و قدرتهای بزرگ در عرصه ی نظام بین الملل سرایی بیش نیست و نوید صلح جاودان میان قدرتهای بزرگ در نطفه خفه شده است. در واقع حقیقت غم انگیز این است که سیاست بین الملل همواره سودایی خطرناک و بیرحم بوده است و به احتمال زیاد این چنین نیز باقی خواهد ماند. هرچند این اثر بیشتر بر روی نظریه ی رئالیسم به خصوص رئالیسم تهاجمی تمرکز نموده است، اما نگارنده علاوه بر رئالیسم تهاجمی، رئالیسم تدافعی را برای چهارچوب نظری خود بیشتر مورد توجه قرار داده است.

- عزت الله عزتی و سهیلا ناناو (۱۳۹۰) در مقاله سیاست خارجی ایران و چالش های فرا روی ایران با تغییر ساختار سیاسی عراق مساله را از زاویه و دید ژئوپلیتیک مطالعه کرده اند. نوع نگاه این مقاله نیز با پژوهش حاضر متفاوت است.

- اصغر فرهادی و رضا انصاری بارده و پیمان حسینی (۱۴۰۰) در مقاله ی کاربست منطقه گرایی و نقش آن در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس معتقدند که ، تأمین امنیت ملی علاوه بر عوامل درون مرزی، متأثر از عوامل خارجی نیز قرار دارد، لذا جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد ثبات سرزمینی، نیازمند منطقه ای با ثبات است. زیرا عدم توجه به این موضوع میتواند زمینه ها و استعدادهای همگرایی موجود را تبدیل به عواملی واگرا کرده و هزینه تأمین امنیت را برای کشور به شدت بالا ببرد. بنابراین همان گونه که توضیح داده شد یافته های مقاله ی فوق با موضوع مورد نظر نگارنده متفاوت است.

- محسن جمشیدی و حمید رضا سعیدی نژاد (۱۴۰۰) در مقاله ی نظم نوین جهانی و رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران (طرح معمای امنیتی دفاع - تهاجم و قدرت نرم این کشور در منطقه تحت نفوذ) معتقدند که ، بین الملل گرایی تهاجمی آمریکا در خاورمیانه در سایه (ابده نظم نوین جهانی) بعد از یازده سپتامبر تاکنون، رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی ایران را به سمت قدرت نرم (منطقه گرایی، شیعه گرایی و نظامی گری) با چرخش از سیاست دفاع - امنیت به سمت سیاست تهاجم - قدرت و بالعکس، براساس فرصت های پیش آمده سوق داده است. همان طور که توضیح داده شد یافته های مقاله ی فوق نیز با موضوع مورد نظر نگارنده متفاوت است.

- جیمز ویلارد (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان دیپلماسی نظامی ابزار ضروری سیاست خارجی و شفیق عالم (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان استراتژی نظامی وسیله ای برای پیگیری اهداف سیاست خارجی به طور اخص نقش دیپلماسی نظامی در سیاست خارجی کشورها را مورد بررسی قرار داده اند. کامادانا (۲۰۱۱) در مقاله ای با عنوان رویکرد نظامی به تعریف مفهوم دیپلماسی نظامی و نیز بررسی رویکرد قدرتهای بزرگ نسبت به آن پرداخته است. پانجیکا (۲۰۱۶) در مقاله راهبرد نظامی و کارکردهای فعلی آن به بررسی مفهوم و کارکردهای مختلف دیپلماسی میپردازد. هر چند مقالاتی

همانند: نوذری (۱۳۹۲)، احمدی (۱۳۹۷)، غلامی (۱۳۹۸)، قنبری جهرمی (۱۳۹۹)، جمشیدی و سعیدی نژاد (۱۳۹۹)، جمشیدی و دیگران (۱۴۰۰) هستند که در راستای موضوع مورد بحث نگاشته شده‌اند. اما هیچ کدام به طور صرف به موضوع مورد بحث نپرداخته‌اند و هر کدام از آنها از دیدی متفاوت به موضوع پرداخته و یا تنها یکی از جنبه‌های موضوع مورد بحث را تحلیل و واکاوی نموده‌اند.

۴ - چارچوب مفهومی و مبنای نظری پژوهش: برای تبیین بحث و تحلیل داده‌های موجود از چارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک که بیشترین سنخیت را در مورد سیاست خارجی ایران در این موضوع دارد استفاده می‌کنیم.

۱ - ۴ - رئالیسم نئوکلاسیک: رئالیسم نئوکلاسیک عنوانی است که گیدئون رز به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل داده است که در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن، در توضیح روابط بین‌الملل، از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کنند. رئالیسم از مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل است و بر مفروضاتی چون دولت محوری، بقا، موازنه قوا، خودیاری و آناشری بودن نظام بین‌الملل تأکید دارد. در رئالیسم هدف اصلی دولت صیانت از کشور است و گزینه بقا برای آن در صدر قرار دارد. بنابراین افزایش تهدیدات ملی زمینه را برای افزایش قدرت جهت حفاظت از بقای سیاسی فراهم می‌کند (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۱). والتز معتقد است که بقا و امنیت دولت‌ها در گرو تلاش برای جلوگیری از تمرکز و انباشت قدرت است، زیرا از نظر وی انباشت قدرت و میل به هژمونی به موازنه ختم می‌شود. دولتی که دارای قدرت بیشتری است همیشه تهدید آمیز به نظر می‌رسد چراکه دولت‌های ضعیف‌تر هیچگاه نمی‌توانند به یقین برسند که دولت قوی‌تر از قدرتش برای تجاوز و نقض حاکمیت‌شان استفاده نکند و یا تهدیدی برای بقا و امنیت‌شان نباشد (والتز، ۱۹۷۹: ۶۹-۵۸). به دلیل سطحی‌نگری نظریه رئالیسم سستی و تأکید بر عوامل داخلی در تحلیل سیاست خارجی و همچنین محدودیت نظریه نئورئالیسم که مبتنی بر تحلیل ساختاری وکلان در روابط بین‌الملل که در آن عوامل داخلی مثل نوع رهبری و ساختار دولت را نادیده می‌گرفت، نظریه رئالیسم نئوکلاسیک پدید آمد، که سعی داشت بین ساختار - کارگزار و سطح خرد - کلان پلی ایجاد کند. نئوکلاسیک‌ها ضمن تأکید بر محوریت قدرت، معتقدند گزینه‌های سیاست خارجی

توسط رهبران سیاسی واقعی خلق شده و دقیقاً به همین دلیل برداشت آن‌ها از قدرت نسبی از اهمیت فراوانی برخوردار است. نظریه پردازان رئالیسم نئوکلاسیک را به دو بخش تهاجمی و تدافعی تقسیم نموده اند. اصطلاح رئالیسم تهاجمی و تدافعی را اولین بار جک اسنایدر در کتاب (افسانه های امپراتوری: سیاست داخلی و جاه طلبی بین المللی) به کار برد. تالیافرو در مقاله خود با عنوان امنیت طلبی در شرایط آنارشی از تلفیق نظریه های نئورئالیسم و رئالیسم نئوکلاسیک از یکسو با نظریه های رئالیسم تدافعی و تهاجمی از دگرسو نظریه های مختلف رئالیستی را دسته بندی مینماید. گیدئون رز در مقاله ی خود، رئالیسم نئوکلاسیک و نظریه های سیاست خارجی در باره ی رئالیسم تدافعی و تهاجمی میگوید که نظام بین الملل از دولتهای عقلانی و منفردی که میل به امنیت آنان را دارای انگیزه نموده شکل گرفته است (Rose, 1998 : 149).

۱-۱-۴ - **رئالیسم تهاجمی:** از مهمترین نظریه پردازان رئالیسم تهاجمی می توان به فرید زکریا و جان مرشایمر اشاره کرد. این نوع که از انشعابات گرایش سیاست قدرت، یعنی رئالیسم سیاسی است، نقطه آغاز مباحث گفتمانی خود را بر گرایشهای تهاجمی، نیات تجدید نظرطلبانه قدرتها، به ویژه قدرتهای بزرگ در سطح سیستم بین الملل قرار داده و با تأکید بر شرایط آنارشی در محیط بین الملل معتقد هستند که آنارشی، رقابت دائمی قدرت بین قدرتهای بزرگ را شاهد خواهد بود. از دید آنان آنارشی دارای وضعیت هابزی است که امنیت در آن بسیار کمیاب است. دولتهای ثروتمند به ایجاد ارتشهای بزرگ روی می آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزها می کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین المللی هستند. مرشایمر توانمندی های دولتها را به پنهان (اقتصادی و جمعیتی) و واقعی (نظامی) تقسیم می نماید. او معتقد است که قدرت نظامی در هنگام تجزیه و تحلیل سیاست های جهانی، مهمترین عامل میباشد. فرید زکریا معتقد است که دولتها در شرایطی که به شکلی فزاینده ثروتمند میشوند به ایجاد ارتشهای بزرگ مبادرت می ورزند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین المللی خود میروند (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۲).

۲-۱-۴ - **رئالیسم تدافعی:** از مهمترین نظریه پردازان این نظریه می توان جک اسنایدر و استفان والت را نام برد. فرض اندیشمندان رئالیسم تدافعی بر این است که آنارشی بین الملل معمولاً خوش

خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است، در نتیجه دولتهایی که آن را در می یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می دهند. تدافعی ها به رابطه میان آنارشی و ملزومات نظام بین الملل از یک سو و رفتار دولتها از سوی دیگر، توجه دارند، تنها در شرایطی که از جانب کشورهای دیگر احساس تهدید کنند از خود واکنش نشان می دهند و واکنشهای آنان معمولاً در سطح موازنه و بازداشتن کشور تهدید کننده است. استفان والت برخلاف نظریه موازنه قدرت کنت والت نظریه موازنه تهدید را مطرح می نماید که سعی در اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت دارد. از نگاه والت نظریه موازنه قدرت به خوبی نمی تواند رفتار تشکیل اتحادها را بر اساس سابقه تاریخی شان توصیف کند، همچنین موازنه قدرت نمی تواند توضیح دهد که چرا موازنه ها غالباً ناتوان از تکوین هستند. با توجه به کاستی های نظریه موازنه قدرت، استفان والت مدعی است که نظریه موازنه تهدید می تواند تبیین بهتری ارائه دهد (Walt, 2001 : 27).

رنالیسم تهاجمی در دوگانه قدرت-امنیت، برتری را به قدرت می دهد و آن را هدف اصلی دولتها برمی شمارد. در حالی که رنالیسم تدافعی در دوگانه قدرت - امنیت، اولویت را به امنیت می دهد و مطابق گفته والتز امنیت را بالاترین هدف می داند. ذکر این جمله کلیدی میرشایمر که دولتها باید به طور مداوم نگران حفظ بقای خود می باشند زیرا رقبای بالقوه ممکن است سعی کنند آنها را در هر زمان حذف کنند، نشان از اهمیت موضوع بقا در نگرش رنالیست های تهاجمی دارد. رنالیست های تهاجمی معتقدند که تنها دولت های قدرتمند می توانند بقای خود را تضمین کنند. مرشایمر به تبعیت از والتز، قدرت را با نه با نتایج که با توانمندیهای مادی برابر می گیرد. به نظر وی نتایج یک پیشگوی ضعیف موازنه قدرت می باشند چون گاهی اوقات ممکن است دولت های ضعیف، مخالفان قوی تر خود را شکست دهند. با عنایت به تمامی این توضیحات می توان استنباط نمود که رنالیست های تهاجمی هدف دولتها را افزایش بیشتر و بیشتر قدرت می دانند تا دولت موقعیتی هژمونیک در نظام بین الملل پیدا کند. در مقابل رنالیست های تدافعی دل مشغولی دولتها را نه به حداکثر رسانیدن قدرت، بلکه حفظ موقعیت آنها در نظام بین الملل می دانند، بنابراین دستیابی به امنیت بالاترین هدف دولتها می باشد. اما در اینجا یک سوال مهم بر ذهن

متبادر می‌گردد: هدف دولت A از بزرگ نمودن ارتش و ساز و برگ نظامی خود چیست؟ آیا می‌خواهد قدرت بیشتری را کسب نماید یا می‌خواهد امنیت خود را تضمین نماید؟ این سوال یک دوراهی را در ذهن ایجاد می‌نماید، که به آن معمای امنیتی گفته می‌شود. معمای امنیتی یک مفهوم مرکزی در تقریباً تمامی نظریه‌های رئالیستی است (Mearsheimer, 2001: 57).

۵ - استراتژی دفاعی - امنیتی و شاخصه‌های آن: استراتژی دفاعی حد فاصل استراتژی امنیت ملی و استراتژی نظامی می‌باشد. استراتژی دفاعی همانگونه که کشش‌ها و واکنش‌های دو جانبه‌ای را با مقوله استراتژی ملی برقرار می‌نماید و در نهایت از آن تاثیر می‌پذیرد، به همان صورت بر استراتژی نظامی کشورها نیز تاثیراتی را بجا می‌گذارد. استراتژی نظامی اگر چه با ژئوپولیتیک مرتبط می‌باشد، ولی در عین حال دارای قواعد و قانونمندی‌های نسبتاً ثابتی است، در حالی که استراتژی دفاعی با توجه به شرایط، اهداف و برنامه‌های هر کشور وضعی متفاوت داشته و حاصل امکانات، توانمندیها و سطح توسعه یافتگی در یک کشور با توجه به اهداف ملی و عناصر تاثیرگذار و محدود کننده خارجی می‌باشد. استراتژی دفاعی دارای دو بخش قابل تمایز نسبت به اجزاء دیگر آن می‌باشد که در حوزه برنامه ریزی و اجرا قابل بررسی است. در این روند تمامی امکانات جامعه مورد ارزیابی قرار گرفته و در جهت اهداف کلی استراتژی دفاعی به کار گرفته می‌شود. در حوزه برنامه ریزی صرفاً به امکانات بالقوه در آمدهای عمومی دولت ضریب بسیج اجتماعی و کارآیی نهادها اشاره می‌شود، در حالی که در حوزه اجراء لازم است برنامه‌ها بر اساس شیوه و ماهیت خاص خود، عمل گردند (Birnbau, 2017: 89). تدوین استراتژی دفاعی به عنوان عمده ترین وظیفه و کارکرد هر دولت تلقی می‌شود، زیرا با توسل به چنین رهیافتی می‌توان بین برنامه‌های جاری و اهداف بلند مدت، بین اهداف و امکانات، بین سیاست خارجی و استراتژی ملی، بین ساختارها و استراتژی، و همچنین بین انگیزه‌های ملی و هویت اجتماعی و ملی جامعه پیوند و تعادلی را ایجاد کرد. در این میان، گرچه استراتژی نظامی بر مبنای دفاعی تدوین می‌گردد، ولی به لحاظ کارکرد خاصی که در سلسله مراتب سیستم ملی دارا می‌باشد (luketic, 2013: 35). کشور ایران در کنار تعاملات منطقه‌ای و نیز ضمن برخورداری از پیمان‌های دفاعی - امنیتی در منطقه، باید از بنیه دفاعی - امنیتی بالایی در سطح منطقه برخوردار بوده و توان دفاعی خود را با منبع پایان ناپذیر مردمی پایدار سازد.

فلذا استراتژی دفاعی - امنیتی عبارت است از راهکارهای کلی و خرط مشی - های طراحی شده ای است که یک کشور برای مقابله با خطرات احتمالی و دفع تهدیدات دشمنان داخلی و خارجی در ابعاد نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و به حداقل رسانیدن آسیب پذیری های ملی در برابر بحرانها، حوادث غیرمترقبه طبیعی و غیرطبیعی از آنها بهره برداری می نماید (اکبر نژاد و چشک ، ۱۳۹۹ : ۱۹۳).

۱ - ۵ - استراتژی دفاعی - امنیتی در بعد جغرافیایی و ژئواستراتژیک: در این زمینه عمق استراتژیک عبارتست از برخوردار بودن از پهنای مناسب جغرافیایی در داخل و قدرت تأثیرگذاری در محیط پیرامونی.

الف: بعد داخلی: در این بعد به خاطر پهنای عرضی و طولی کشورمان و وجود معارضات و موانع طبیعی از جمله صحراهای بسیار و کوه‌های سر به فلک کشیده همه و همه نشان از عمق استراتژیک خوب کشورمان دارد که زمینه را برای دفاع در مقابل تهاجم احتمالی دشمن بر اساس دکترین دفاعی کشورمان (جنگ نامتقارن) و همچنین برخورداری از ضریب بالای پدافند غیرعامل برای حفظ ساختارهای کشور فراهم نموده است.

ب : بعد خارجی: جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای که محدوده توسعه ایران در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ ایران تبیین شده قرار گرفته است. قرار گرفتن ایران در این منطقه حساس از جهان که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرقی آسیا (محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان) و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد و امکان دسترسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آبهای آزاد از طریق ایران را فراهم نموده است. این امر کشور ما را خواسته یا ناخواسته در متن تحولات مهم جهانی و بین‌المللی قرار داده است. سیاستهای کلی خودکفایی دفاعی و امنیتی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد دارای نه بند است که بر حسب ضرورت بر عمق بخشی به بنیان‌های دفاعی و تلاش در جهت دستیابی به فناوری‌های برتر سوق می‌دهد. از آنجا که امور دفاعی - امنیتی در فضای امروز و نقش بی‌بدیل آن در ارتقای توان کشور، دارای جایگاه ویژه است، مورد توجه جدی این سند قرار گرفته است (ابراهیمی کیا پی و بابا تبار سرخی ، ۱۳۹۹ : ۲۶۱).

۲- ۵ - استراتژی دفاعی - امنیتی در بعد سیاسی: این مقوله را می‌توان در دو بعد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد که در ذیل به آن خواهیم پرداخت:

الف: بعد داخلی: راهبردی که بتواند پشتیبانی حداکثری و مستمر مردم را از سیاستها و برنامه‌های نظام در داخل و خارج بدست آورد. باید بیان نمود که بعد خارجی و موفقیت در آن، منوط به بعد اول یعنی حمایت مردم از برنامه‌ها و سیاست‌های نظام است. هر چه این حمایت بیشتر باشد موفقیت دولتمردان کشورمان در سطح بین‌المللی هم بیشتر می‌باشد. اهمیت مردم و حمایت آنها از نظام تا حدی است که رهبر معظم انقلاب از مردم به‌عنوان عمق استراتژیک داخلی یاد می‌کنند. با توجه به این نکته در بعد سیاست داخلی عمق استراتژیک را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ب: بعد خارجی: عمق استراتژیک در بعد خارجی عبارتست از راهبردی که بتواند پشتیبانی حداکثری و تضمین شده کشورها و مجامع بین‌المللی را از سیاستها و برنامه‌های دولت بدست آورد. در بعد خارجی تبیین عمق استراتژیک همانا بدست آوردن حداکثر پشتیبانی ضمانت‌دار توسط مجامع بین‌المللی از برنامه‌های نظام در مواجهه با حوادث و اتفاقات داخلی و بین‌المللی است.

۳- ۵ - استراتژی دفاعی - امنیتی در بعد اقتصادی: در بعد اقتصادی عمق استراتژیک عبارتست از: نفوذ به بازارهای کشورهای منطقه و جهان و کم‌کردن وابستگی کشور به کالاهای استراتژیک که می‌تواند مورد استفاده دشمن در تحریم‌ها قرار گیرد (مثل بنزین) و در دست گرفتن گلوگاه‌های اقتصادی دشمن و استفاده از آن در مواقع ضروری. وابستگی پایه‌های اصلی اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته به انرژی نفت و گاز و نیازهای جهانی به ذخایر معدنی و هیدروکربوری موجود از یک طرف و قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان از خاورمیانه و آسیای مرکزی، که به عنوان منبع اصلی تغذیه انرژی جهان به شمار می‌رود و بخش قابل توجهی از منابع نفت و گاز جهان را در خود جای داده است، از طرف دیگر، موقعیت جغرافیایی، جمهوری اسلامی ایران را از لحاظ دسترسی و تسلط بر منابع نفت و گاز و راه‌های انتقال آن، منحصر به فرد می‌کند (davtalab,2020: 139).

۶ - عناصر تشکیل دهنده استراتژی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران: اگر چه عناصر تشکیل دهنده استراتژی دفاعی - امنیتی کشورها حدوداً یکسان می‌باشند، اما عوامل ژئوپولیتیکی،

اوضاع منطقه ای، شاخصهای عمومی و نوع نظام سیاسی بر شکل گیری، طراحی و تدوین استراتژی دفاعی کشورها موثر واقع می شوند. عواملی همچون جهت گیریهای ایدئولوژیک، تجربه ایران در جنگ تحمیلی و همچنین واقعیت‌های ژئوپولیتیک در شکل گیری دکترین دفاعی ایران بسیار مؤثر بوده اند. اسلام و ضرورت‌های ایدئولوژیک نقشی اساسی در تدوین راهبرد امنیتی ایران دارد و ایدئولوژی نظامی سیاسی عاملی تأثیرگذار بر ذهنیت و رویکرد راهبردی ایران برای طراحی ساختار دفاعی است. بنابراین در سیاست دفاعی خود به دنبال راهبردی بازدارنده و تدافعی است (safler,2020 : 68).

ایران به عنوان یکی از کشورهای منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) که محیط امنیتی آن به بسیاری از کشورهای منطقه و جهانی مربوط میشود و برای حفظ امنیت خود و دفع تهدیدات احتمالی بدون توجه به نظام بین الملل، نمیتواند منافع خود را تأمین کند، با تهدیدها و فرصتهای بسیاری مواجه است. براین اساس، طراحی نظام بازدارندگی منطقه ای باتوجه به دکترین دفاعی آن از ضرورت‌های سیاست دفاعی این کشور محسوب میشود. این راهبرد تحت تأثیر چند متغیر اساسی است: نظام بازدارندگی یکجانبه امریکا در منطقه، متغیرهای جغرافیایی، محدودیتهای ساختاری (همچون دکترین جنگ پیش دستانه و پیشگیرانه امریکا که مکمل، بازدارندگی یکجانبه آن در منطقه است و تحت فشار قرارداد کشورهای {به اصطلاح خودشان} حامی تروریسم، نیروی نظامی ایران که متشکل از ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و همچنین قرارگرفتن در حدواسط خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و جنوب غربی آسیا و اروپا (که محیط شبکه ای راهبردی را برای ایران به وجود آورده است) غلامی، ۱۳۹۸ : ۱۳۷).

۱-۶ - عناصر ژئوپولیتیک: ژئوپولیتیک ایران تا حد زیادی تحت تاثیر دگرگونیهای جغرافیایی قرار گرفته که بخشی از ایران را در محاط خود قرار داده است. در این حال اهمیت و نقش خلیج فارس با توجه به جایگاه ارتباطی آن با آبهای اقیانوس هند و دریای عمان، و نیاز ارتباطی ایران به آن محدوده جغرافیایی (به لحاظ صادرات نفت و همچنین تامین نیازهای وارداتی) سیاستهای جغرافیایی ایران تداوم یافته است. نکته ای که در ژئوپولیتیک باید مورد توجه قرار گیرد، بررسی چگونگی پیوند و تأثیر گذاری آن بر منطقه می باشد. جغرافیا و ژئوپولیتیک منطقه ای به تنهایی عامل تعیین کننده تلقی نمی گردند، بلکه تحت تاثیر پارامترهای دیگری، از ماهیت متفاوت برخوردار خواهند شد. زیرا

ژئوپولیتیک صرفاً در زمانی می تواند به عنوان یک عامل تأثیرگذار در سیاست خارجی و یا استراتژی دفاعی مورد محاسبه قرار گیرد که با بهره گیری و تاکید بر محیط فیزیکی به توضیح و پیشگویی رفتار سیاسی و تواناییهای نظامی یک واحد ملی (کشور) پردازد (aldosari,2015: 28). تنگه های مهم هرمز، بسفر،... معبرهایی هستند که از نظر سیاسی و استراتژیک اهمیت زیادی دارند. وجود اهمیت فوق برای برنامه ریزان دفاعی کشور جنبه ای دو گانه دارد. از یک سو منجر به افزایش میزان تعاملات منطقه ای گردیده و از سوی دیگر به دلیل حضور قدرتهای خارجی و یا حساسیت آنان نسبت به مسائل منطقه ای بخصوص در بر خورد با ایران، مشکلات امنیتی متعددی را برای ما ایجاد کرده است. اگر تهدید صرفاً از سوی یک قدرت منطقه ای و یا کشوری با قدرت میانه بود، در آن صورت با ایجاد نوعی بازدارندگی و یا همپایگی نسبی قدرت، توان بیشتری در مهار بحرانها و کسب ابتکار عمل را دارا بودیم، اما در شرایط موجود که نیروهای خارجی در محدوده آبهای ساحلی ایران قرار دارند، بازده ژئوپولیتیکی منطقه برای ایران با توجه به پارامترهای دیگری گویا می گردد. یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر نحوه ی ارزیابی راهبردی ایران در تعیین نوع سیستم دفاعی، موقعیت جغرافیایی و شبکه ی ارتباطی آن می باشد که ابعاد جغرافیایی در معادله ی دفاع- تهاجم را شکل میدهد. موقعیت گذرگاهی در اهمیت ژئوپولیتیک کشورها نقش به سزایی داشته و آن هم حالتی است که یک کشور در کنار تنگه های مهم قرار داشته باشد که این تنگه ها هم از نظر نظامی و هم از نظر اقتصادی دارای اهمیت فراوان هستند. سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران تنوعی از واحدها را در بر میگیرد. جمهوری اسلامی ایران در صحنه ی سیاست خارجی، خود را با قدرتهای مداخله گر و منطقه ای درگیر مبیند که کارگزار تهدیدات متعددی علیه آن به شمار می آید. در این میان، قدرت مداخله گر، کشوری جز آمریکا نبوده است. آمریکا در تلاش برای استقرار نظام تک قطبی بر جهان و حفظ سلطه ی هژمونی خود بعد از فروپاشی شوروی و نظام دوقطبی است و صحنه ی نبرد و قدرت نمایی خود را در منطقه ی خاورمیانه دیده است و بزرگترین مانع خود را در این جدال، ایران میداند. از سویی تلاش ایران برای نقش آفرینی در جهت دستیابی به جایگاه و شأن منطقه ای به منظور دسترسی به فرصتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه از یک سو و تلاش آمریکا برای تثبیت هژمونی منطقه ای در جهت

جلوگیری از نقش آفرینی ایران به عنوان مخالف نظم مورد نظر آمریکا از طرق گوناگون از سوی دیگر است (قائمی و نگهدار، ۱۳۹۲: ۲۷).

۲- ۶ - **ظرفیت نظامی و تسلیحاتی:** برجسته ترین و مهمترین کار ویژه ی متولیان بخش نظامی - امنیتی یک کشور، گزینش و کاربست راهبرد مطلوب به منظور عینیت بخشی به امنیت مرزی - سرزمینی است. ایران در گستره ی بحران زا و چالش آفرین غرب آسیا قرار دارد و مشخصاً نواحی غربی آن از دیرباز در معرض تهدیدات وجودی و پایدار قرار داشته است. تصمیم سازان حوزه سیاسی - دفاعی ایران علاوه بر استقرار یگانهای کارآزموده ی نظامی - اطلاعاتی در مناطق مرزی، اتخاذ یک راهبرد برون مرزی به منظور دور نگه داشتن تهدیدات از مرزهای بین المللی را اهرمی مناسب می پندارند که فقدان آن تأمین و تثبیت امنیت در چنین محیط بحران زایی را دشوار می سازد (رضایی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۶۶). دستیابی به قدرت موشکی در راهبرد دفاعی - امنیتی ایران جایگاه ویژه ای دارد. جنگ عراق علیه ایران و جنگ اول خلیج فارس نشان داد که محدودیت های موجود در معاهدات بین المللی در زمینه استفاده از سلاحهای کشتار جمعی و منع استفاده از ابزارهای نظامی علیه شهروندان غیرنظامی مانع از استفاده عراق از این سلاحها نشده و جامعه بین المللی نیز اقدامی جدی در این زمینه انجام نداده است. افزون براین، جنگها نقش بسیار بالایی موشکها را در نبردهای آینده نشان دادند (leftwich, 2010 : 18). گسترش تقویت و توسعه سامانه موشکی ایران نشانگر دو هدف عمده در سیاست دفاعی است. پیشرفت موشکی ایران از یکسو باعث افزایش و تقویت قدرت نظامی و دفاعی این کشور در روابط با منطقه و فرامنطقه شده و از سوی دیگر باعث گسترش توان بازدارندگی به خارج از مرزهای آن شده است. از پیامدهای مهم توسعه توان موشکی کشورها در جهان امروز، اهمیت جغرافیا است، بنابراین، تقویت فعالیت های موشکی این توانمندی را برای ایران به وجود می آورد تا برای ورود به جنگ و درگیری، هم مرزبودن با دشمن برای دفاع تهدیدات جزو اولویتهای مهم نباشد؛ چون استفاده از موشکهای دوربرد و با دقت بیشتر، قدرت بازدارندگی را به خارج از مرزها گسترش داده است. همچنین موفقیت های ایران در افزایش قابلیت های موشکی از لحاظ دقت و برد، قدرت ضربتی نیروهای مسلح را تاحدزیادی افزایش داده و توان ویژه دفاعی به ایران داده است که در این صورت سیاست دفاعی آن قادر خواهد بود با تهدیداتی که از

دوردست متوجه امنیت ملی و استقلال سیاسی کشور است، مقابله کند. براین اساس، دامنه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران با تحول در فناوری سامانه موشکی به فراتر از مرزهای جغرافیایی توسعه یافته و همچنان در حال گسترش است. بدون شک از مهمترین محورهای راهبرد نظامی ایران تلاش برای بازدارندگی همه جانبه و افزایش توانمندی دفاعی است که هدف اصلی قابلیت موشکی آن را دربر میگیرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاشهای بسیاری برای افزایش توان دفاعی انجام شد، اما برنامه ریزی برای سرمایه گذاری در صنعت موشکی پیشرفته مهمترین تلاش در زمینه افزایش بازدارندگی دفاعی بوده است (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۴۷ - ۱۴۰).

۳-۶ - قدرت دفاعی و تهدیدات منطقه ای: قدرت دفاعی به مثابه یکی از ارکان تضمین کننده دوام و قوام کشورها، متشکل از عناصر و اجزای گوناگون می باشد. هرچند با شنیدن این عنوان، توانمندیهای نظامی به اذهان متبادر میگردد. ولی واقعیت آن است که در کنار تسلیحات و تجهیزات نظامی، مقوله های نرمی نیز همچون سیاست دفاعی - امنیتی در تولید و ارتقای قدرت دفاعی نقش آفرین هستند. از این فراتر شاید بتوان ادعا نمود که بدون این نرم افزارها که تعیین کننده اهداف و ساختار و جهت دهنده فعالیتها میباشد، نمیتوان ابزار مناسب را تهیه کرد و تجهیزاتی که بدون هدف تأمین گردد، قابلیت بهره برداری چندانی نخواهند داشت. به دلیل تاثیرگذاری رفتار سیاسی کشورهایی که دچار تحولات ساختاری گردیده اند بر تعاملات منطقه ای، متناسب با سطح و شدت دگرگونی، تهدیدات جدیدی متوجه آنها می شود. این تهدیدات به نوبه خود بر سیاست، رفتار خارجی، بودجه بندی، ساختار دفاعی و استراتژی دفاعی کشورها تاثیراتی خواهند گذاشت. روند تهدیدات منطقه ای که متوجه کشور ایران بوده است، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دچار دگرگونیهای قابل توجه و تحولات ملموسی گردید. بحرانی بودن محیط منطقه ای بیانگر تنوع شاخص های تاثیرگذار بر سطح تعارض کشورها و واحدهای درون منطقه ای و بازیگران مداخله گر می باشد. اگر شاخص های تعارض صرفاً ناشی از برخی اختلافات تاریخی، محیطی، رفتاری و یا تفاوت در اهداف و جهت گیریهای سیاسی باشند، در آن شرایط می توان وضعیتی را تصور کرد که واحدهای منطقه ای برای تأمین اهداف فراگیرتر خود که همانا حفظ و تداوم امنیت باشد، برخی از اولویتهای خود را تغییر دهند (اکبر نژاد و چشک، ۱۳۹۹: ۱۹۰).

۷- استراتژی دفاعی - امنیتی و راهبرد سیاست خارجی: اگر استراتژی دفاعی - امنیتی را به مانند لیدل هارت، هنر به کارگیری جنگ و نیروی نظامی برای کسب اهداف سیاسی یا شیوه‌های به کارگیری مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی برای تحقق اهداف دفاعی - امنیتی کشورها در راستای سیاست‌های ملی تعریف کنیم، موقعیت راهبردی ایران در سطح منطقه‌ای با ویژگی‌هایی همچون داشتن همسایگان متعدد، وجود اختلافات عدیده میان آنها (به دلایلی همچون: منازعات مرزی و سرزمینی، مشکلات و مسائل قومی و اختلاف بر سر منابع)، بحرانها و مخاصمات پرسابقه، کشمکش‌ها و جنگ‌های درون منطقه‌ای، دخالت مستمر قدرتهای بزرگ و پیچیدگی معمای امنیت، اندیشیدن به نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای را در اولویت سیاستگذاری ایران قرار می‌دهد. صحنه سیاسی - نظامی منطقه شامل محیط پیچیده‌ای است که علاوه بر کشورهای منطقه، قدرتهای فرامنطقه نیز در آن درگیر هستند (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۳۴).

۱- ۷- استراتژی دفاعی و گسترش مرزهای امنیتی (محیط عملیاتی - راهبردی) در سیاست خارجی: با شناخت دقیق محیط راهبردی می‌توان مطلوبیت‌های ویژه‌ای را برای سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. در این راستا، محیط راهبردی ایران در طول چندین سال گذشته به شدت دستخوش تغییر و تحولات شده و این تغییر و تحولات، فرصتها و تهدیدات جدیدی را به همراه داشته است که حضور مستقیم آمریکا در منطقه ابعاد این تغییر را به مراتب حساس‌تر نموده است. بررسی این تغییر و تحولات، مقدمه‌ی هرگونه تلاشی در جهت تدوین راهبرد و سیاست دفاعی برای ایران می‌باشد. بنابراین، محیط راهبردی و عملیاتی ایران از یک سو به اقتضای طبیعت و هویتش (انقلابی - ایدئولوژی) و از سوی دیگر، به علل تاریخی، فرهنگی و قومی، و از جانب سوم، به سبب موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، دارای ویژگیهای خاصی است (قاسمی و نگهدار، ۱۳۹۲: ۱۵). محیط امنیتی - عملیاتی ایران بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر باز هم به شدت دستخوش تغییر شد. آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر با اشغال عراق و افغانستان در مجاورت مرزهای ایران حضور پیدا کرد و با عقد قراردادهای نظامی با کشورهای منطقه خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس حضور نظامی خود را در منطقه تقویت نمود. براساس گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۳ ریاض از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ توافقنامه‌هایی به ارزش ۷۵ میلیارد و

۷۰۰ میلیون دلار برای خرید تسلیحات منعقد کرده است. آمریکا در سال ۲۰۱۱ در حدود ۶۶ میلیارد دلار سلاح به عربستان فروخت. رژیم اشغالگر قدس نیز با گسترش برنامه هسته ای ایران به طور علنی ایران را به حمله نظامی تهدید کرد. درحالیکه هیچ یک از انواع هواپیمای نظامی ایران به دلیل بُعد مسافت توان مقابله با تهدیدات نظامی آن کشور را نداشتند. سرمایه گذاری ایران در زمینه موشک نه تنها در راستای حل مشکل راهبردی ایران بلکه توسعه و تولید موشک شیوه مقرون به صرفه برای غلبه بر عدم توازن منطقه ای و همچنین غلبه بر نیروی هوایی قوی تر کشورهای منطقه بود. همچنین ایران از طریق موشک می‌توانست مشکل عدم دسترسی به قطعات یدکی تسلیحات نظامی را جبران کند (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

۲-۷- استراتژی دفاعی و جنگهای نیابتی (تقویت و گسترش گروههای نیابتی همسو): جنگ نیابتی را میتوان جنگی مشارکتی دانست که در آن درجه ای از همکاری راهبردی و عملیاتی بین نیروهای منظم و نامنظم دیده میشود. در جنگ نیابتی قدرت های درگیر به جای اینکه مستقیماً وارد جنگ با یکدیگر شوند با حمایت های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از کشورها یا گروههای مسلح دیگری که با دولت مقابل یا متحدان آن در جنگند (رومی و کاظمی، ۱۴۰۰: ۱۳۲). دانش واژه جنگ نیابتی در دوران جنگ سرد وارد فرهنگ علوم نظامی و راهبردی شد. همانطور که ظاهر این عبارت نشان میدهد، جنگ نیابتی یعنی جنگی که در آن بازیگران در جنگ به نیابت از بازیگران دیگری که حضور مستقیم ندارند، می جنگند. لذا جنگ نیابتی جنگی میان دو طرف یا بیشتر است که در آن، دستکم یکی از طرفها از سوی یک یا چند کشور خارجی حمایت می شود و هدف از آن نیز دست یابی به اهداف و منافع کشور یا کشورهای حامی است. هرگاه دو کشور به علت توان بالای نظامی احساس کنند درگیری نظامی مستقیم آنها می تواند هزینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی بالایی را برای هر دو طرف در پی داشته باشد، تلاش میکنند تا بدون وارد شدن به جنگ تمام عیار از طریق حمایت از گروهها یا دولتهای ثالث به یکدیگر ضربه بزنند. ممکن است در برخی موارد که دو قدرت اصلی به جنگ مستقیم وارد شده باشند، به صورت همزمان در مناطق دیگری با حمایت از گروهها و کشورهای ثالث به جنگ نیابتی نیز پردازند. در تبیین مفهومی جنگهای نیابتی باید گفت که این نوع جنگها، کشمکش بین دو بازیگر است که هیچیک از آنها خود را به طور مستقیم دخیل نمی

کنند. در این جنگها، قدرتهای مخالف، از یک نیروی ثالث (بازیگران دولتی یا غیردولتی خشونت طلب و سربازان مزدور) به عنوان دست نشانده استفاده می کنند. البته تلاش می شود گستره به کارگیری این گروهها در اندازه ای باشد که به جنگ تمام عیار منجر نشود (قنبری جهرمی، ۱۳۹۹: ۲۱). یکی از مسیرهای جنگ نیابتی آمریکا علیه ایران مبدأ سرزمینی عراق است. جنگ نیابتی، جنگ واسطه ای یا جنگ وکالتی وضعیتی است که در آن قدرتهای درگیر به جای اینکه به طور مستقیم مسلح دیگری که با قدرت مقابل یا متحدان آن در جنگند، سعی در تضعیف آن قدرت یا فشار بر آن می نمایند. جنگ نیابتی به استفاده از نیروهای نظامی کشوری ثالث چه از سر تباری و یا غیر آن در میدان جنگ بجای نیروهای خودی اطلاق میشود. در جنگ نیابتی، ابرقدرتها و قدرتهای جهانی به جای مداخله اولیه مستقیم نظامی در مناطق هدف، گروهها و کشورهای کوچکتر و ضعیف تر و هم پیمان با خود را به نیابت از خود، به وادی عملیات نظامی میکشند و در پس پرد، حمایت های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی خود را از ایشان به عمل می آورند (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۱۷).

۳-۷- دفاع از ژئوپلیتیک شیعه (شیعه گرایی): تشیع از ابتدای ایجاد، دارای انگاره ها و آموزه های سیاسی خاصی بوده که این ویژگی در طول دورانهای تاریخی توانسته نقش آفرینی کند. این توان نقش آفرینی از معارف، آرمانها و آموزه های اعتقادی عمیق تشیع نظیر عدالت، عاشورا، نفی سبیل، ولایت، انتظار و ... منبث شده است؛ یعنی عواملی که گاه از آن با عنوان ارزشهای شیعی یاد میشود (احمدی، ۱۳۹۷: ۷۱). (Amir zadeh & et al, 2016: 124). ژئوپلیتیک شیعه عبارت است از تلفیق ظرفیت های جغرافیایی مناطق شیعه نشین با آرمانها و آموزه های موجود در فرهنگ سیاسی تشیع که توانست آنرا در مسیر قدرت یابی قرار دهد و به برقراری مناسبات و تعاملات مرکز- پیرامون در قالب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین ایران به عنوان کانون قلمروهای شیعی و اقلیت های شیعی پیرامون ایران پس از انقلاب اسلامی منجر شود. بر اساس این تعریف، خلق مفهوم ژئوپلیتیک شیعه محصول رخ دادن تحول بزرگی به نام انقلاب اسلامی در کانون جغرافیایی قلمروهای شیعی یعنی ایران است. با این دگرگونی کم نظیر، که به اعتقاد بیشتر صاحب نظران، مهمترین رخداد نیمه دوم قرن بیستم بود، تشیع در کشور بزرگی مثل ایران به قدرت سیاسی دست یافت. پس از آن، ایران با ماهیت انقلابی و شیعی، نقش آفرینی خود را در عرصه بین المللی و عمدتاً در تقابل با قدرتهای

بزرگ آغاز کرد. پشتوانه معارف غنی اسلام و تشیع که نظام اعتقادی عمیق رهبران و نیروهای انقلاب را شکل داده بود، قدرت مقاومت ایران را در مقابل ناملایمات بین المللی افزایش داد (Bahman, 192: 2014). جنبشهای شیعی امروزه راهبردهای سیاسی فوق العاده اصیلی ابداع کرده اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. این شیوه در ایران از عظیم ترین موفقیت ها برخوردار است و الهام بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده است. کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را دربرمی گیرد و بخشهایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم میشود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می یابد (افشردی و اکبری، ۱۳۹۲:۵۰).

۴-۷- پیشبرد اهداف دیپلماسی دفاعی - نظامی (اهداف میدان): دیپلماسی دفاعی مفهومی است در قالب قدرت که با تکیه بر ظرفیت قدرت سخت و نرم در چارچوب همگرایی سیاست خارجی و سیاست دفاعی، بازدارندگی را بدون بهره گیری از ابزار سخت محقق کرده و زمینه ساز ارتقاء اهداف نهفته در سیاست دفاعی و نظامی میشود. به عبارتی دیپلماسی دفاعی کاربرد مسالمت جویانه منابع حوزه دفاعی برای دستیابی به برون دادهای مثبت در توسعه روابط دوجانبه و چندجانبه با جهان خارج است. در این راستا دیپلماسی دفاعی به عنوان عنصر کمکی سیاست خارجی سعی میکند تا اهداف عالی کشور را تامین کند (ابراهیمی کیا پی و بابا تبار سرخی، ۱۳۹۹:۲۵۶). دیپلماسی دفاعی - نظامی از تکنیک های متنوعی برای پیشبرد اهداف خارجی بهره میگیرد. این فنون به قدری در نمایش چهره نیروهای نظامی موثرند که علاوه بر وابسته های نظامی، خود این فنون نیز به بازیگران تاثیرگذار در این زمینه تبدیل شده اند. مهمترین تکنیک در دیپلماسی دفاعی - نظامی که در واقع اصل اولیه در همه سطوح دیپلماسی محسوب میشود گفتگوهای نظامی میان افسران و فرماندهان ارشد نظامی کشورها است. اینگونه مذاکرات نیز معمولاً با توافق بر سر اتخاذ تصمیمات مشترک و انعقاد قراردادهای نظامی نظیر رزمایشهای مشترک، ارسال تسلیحات و تجهیزات نظامی، ایجاد پایگاههای نظامی و یا همکاری های مشترک چندجانبه در حفظ و حراست از منابع یا مناطق مشترک مانند آبراه ها، دریاها و از این قبیل صورت میگیرد (اسمانی کناری و طباطبایی، ۱۳۹۹:

جمع بندی پایانی : امنیت مهمترین هدف و دغدغه هر دولت به شمار می آید که در صورت فقدان آن، ترقی و پیشرفت در یک جامعه حاصل نخواهد شد. در واقع جهش و تکامل جامعه بدون نظر داشت امنیت امکان پذیر نخواهد بود. در این ارتباط اساسی ترین بعد امنیت دفاعی و نظامی است. برای تأمین این قسم از امنیت برخورداری کشور از یک راهبرد دفاعی مناسب و بدون شرط محوری محسوب می شود. لذا یکی از اجزای اصلی راهبرد دفاعی کارآمد بهره مندی کشور از توانمندیهای دفاعی و نظامی - تسلیحاتی پیشرفته و بازدارنده در جهت تأمین امنیت و منافع ملی است. جمهوری اسلامی ایران برای ماندن و حفظ چرخه ی راهبردی قدرت خود در محور تحت نفوذ، با تکیه بر اصول ارزشی و اعتقادی، راهبرد دفاعی و امنیتی و استفاده از منابع موجود و در اختیار، منافع ملی و بین المللی خود را در حوزه ی سیاست خارجی بر مبنای بازدارندگی متعارف و رویکرد تدافعی (دفاع - تهاجم) و همچنین استفاده از دیپلماسی نظامی و گسترش محیط عملیاتی تنظیم نموده است. ایران با استفاده از استراتژی دفاعی - امنیتی و تعریف واژه های همسو همچون گسترش مرزهای عملیاتی و امنیتی خود و بردن صحنه های رقابت و نبرد به فراسوی مرزهای جغرافیایی در صدد پیشبرد اهداف و کنترل رقبای خود در محور تحت نفوذ می باشد. ایران همچنین از طریق تقویت گروههای نیابتی همسو در منطقه و پشتیبانی لجستیکی از آنها اهداف منطقه ای در محور تحت نفوذ را کنترل و اجرا می نماید. ژئوپلیتیک شیعه نیز از طریق تقویت شیعه گرایی در منطقه باعث شده که اهداف دیپلماسی نظامی (میدان) ایران برای پیشبرد هدف نهایی که همان هژمون منطقه ای است محقق شود.

وظیفه اصلی استراتژی دفاعی - امنیتی هر کشوری تأمین امنیت از طریق استفاده از ابزارهای موجود، و رعایت محدودیتها درون ساختاری و برون ساختاری می باشد. گاهی اوقات این محدودیتها دارای ماهیت نظامی بوده، ولی در بسیاری از مواقع نیز عناصر اقتصادی، اجتماعی و پارامترهای جزئی تر از جمله شاخصهای دیپلماتیک در استراتژی دفاعی کشورها موثر بوده اند. موقعیت ایران در نظام جهانی و منطقه ای و کنش و روابط متقابل آن با قطبهای قدرت جهانی و مناطق ژئوپلیتیکی همواره مسائل جدیدی را می آفریند که مجموعاً زمینه بسیار مناسبی را برای مطالعه عوامل پویا و متحول

سیاسی و علمی با تأکید بر واقعیت‌های جغرافیایی برای تبیین سیاست خارجی فراهم آورده است. ایران به عنوان بزرگترین کشور خلیج فارس و یکی از مهمترین کشورهای تأثیرگذار در منطقه نیازمند این است که اهمیت ژئوپلیتیک خود را در نظام دگرگون شونده جهانی از راه ایجاد پیوندهای گسترده در روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس در ژرفای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مشخص سازد و کارایی بیشتری بخشد. تقویت توان نظامی نیروهای مسلح کشور از طریق یکسان و یکپارچه سازی سامانه های موجود در فضا و توسعه توانایی موشکهای ضدماهواره ای برای ایجاد اختلال در سامانه های ارتباطی دشمنان در جهت توسعه سیاست دفاعی ایران باعث افزایش قابلیت بازدارندگی کشور به خارج از مرزهای جغرافیایی شده و توان نیروی دفاعی در پاسخ به حملات و تهدیدات در ورای سرزمینهای ایران را نیز امکانپذیر کرده است. افزایش قابلیت موشکی کشور، گام اساسی در توسعه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران است که این امر برای ایجاد بازدارندگی مؤثر از طریق توسعه ظرفیتهای فضایی با تقویت برد و دقت موشکهای بالستیک محقق خواهد شد.

منابع :

الف : فارسی

- آسمانی کناری ، حدیث و طباطبایی ، سید محمد (۱۳۹۹) ، دیپلماسی نظامی راهبرد نوین دولتها در پی گیری اهداف سیاست خارجی ، فصلنامه دولت پژوهی ، پاییز ، سال ششم ، شماره ۲۳ .
- ابراهیمی کیا پی ، هادی و بابا تبار سرخی ، ابوالقاسم (۱۳۹۹) ، ارائه چارچوبی ادراکی از رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظام بین الملل خلع سلاح در پرتو دیپلماسی دفاعی ، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام ، تابستان ، سال دهم ، شماره دوم .
- احمدی ، سید عباس (۱۳۹۷) ، تبیین مفهومی ژئوپلیتیک شیعه (ارائه تعریفی جدید) ، فصلنامه ژئوپلیتیک ، بهار ، سال چهاردهم ، شماره اول .
- احمدی ، سید عباس و حسینی نصر ابادی ، نرجس سادات (۱۴۰۰) ، رویکرد ژئوپلیتیکی بر نقش ایران در منطقه خلیج فارس ، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای ، زمستان ، سال دوازدهم ، شماره ۱ .
- افشردی ، محمد حسین و اکبری ، حسین (۱۳۹۲) ، تاثیر عوامل ژئوپلیتیک شیعه بر توسعه نفوذ

انقلاب اسلامی، فصلنامه افاق امنیت، پاییز، سال ششم، شماره بیستم.

اکبر نژاد، ابوالقاسم و چشک، کریم (۱۳۹۹)، اولویت بندی مولفه های تاثیر گذار بر سیاست دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، تابستان، سال هیجدهم، شماره ۸۰.

جمشیدی، محسن و سعیدی نژاد، حمید رضا (۱۳۹۹)، بین الملل گرایی تهاجمی ایالات متحده و طرح معمای امنیتی جمهوری اسلامی برای مقابله با این تئوری در منطقه غرب آسیا، فصلنامه امنیت ملی، پاییز، سال دهم، شماره سی و هفتم.

جمشیدی، محسن و سعیدی نژاد، حمید رضا (۱۳۹۹)، بین الملل گرایی ایالات متحده آمریکا بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (رویکردی ساختاری یا نئوکلاسیک)، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، تابستان، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم.

جمشیدی، محسن و صدیق، میر ابراهیم و بسطامی، محمود (۱۴۰۰)، استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه ای (جمهوری اسلامی و عربستان سعودی) در حوزه سیاست گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، بهار، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹).

جمشیدی، محسن و سعیدی نژاد، حمید رضا (۱۴۰۰)، نظم نوین جهانی و رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران (طرح معمای امنیتی دفاع - تهاجم و قدرت نرم این کشور در منطقه تحت نفوذ)، فصلنامه سیاست دفاعی، زمستان، سال سی ام، شماره ۱۱۷.

جمشیدی، محسن و فتاحی، شهرام و صدیق، میر ابراهیم (۱۴۰۱)، استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای محور تحت نفوذ در جهان اسلام از منظر رئالیسم تدافعی (واکاوی بحران عراق و سوریه)، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، بهار، سال یازدهم، شماره یکم (پیاپی ۲۳).

رضایی، صفر علی و اسمائیلی گنهرانی، بشیر و شفیعی سروسستانی، اسماعیل (۱۴۰۱)، استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (۲۰۲۰-۲۰۱۱)، ماهنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، اذر، سال پنجم، شماره نهم.

رومی، فرشاد و کاظمی، احسان (۱۴۰۰)، جایگاه گروههای نیابتی در راهبرد سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست جهانی، بهار، دوره نهم، شماره اول (پیاپی ۳۵).
 غلامی، سعید (۱۳۹۸)، دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر فناوری موشکی)
 ، مجله سیاست دفاعی، تابستان، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۷.
 فرهادی، اصغر و انصاری بارده، رضا و حسنی، پیمان (۱۴۰۰)، کاربست منطقه گرایی و نقش
 آن در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ی خلیج فارس، فصلنامه پژوهش های
 سیاسی جهان اسلام، تابستان، سال یازدهم، شماره ۲.
 قائمی، فرهاد و نگهدار، الهام (۱۳۹۲)، چرخه راهبردی و الزامات سیستم دفاعی جمهوری
 اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، زمستان، سال بیست و دوم، شماره ۸۵.
 قنبری جهرمی، محمد حسین (۱۳۹۹)، فلسفه جنگهای نیابتی در عصر جدید، فصلنامه سیاست
 دفاعی، زمستان، سال بیست و نهم، شماره ۱۱۳.
 کلانتری، فتح الله و ید اللهی، رضا و سعادت راد، علیرضا (۱۳۹۹)، نقش عوامل ژئوپلیتیکی
 نظامی بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات امریکا و تکفیری ها از مبدا
 سرزمینی عراق، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، پاییز، سال هیجدهم، شماره ۸۱.
 موسوی شفقانی، سید مسعود و شاپوری، مهدی (۱۳۹۰)، ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیک پر خطر
 ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان، سال چهاردهم، شماره چهارم.
 نوذری، فضل الله (۱۳۹۲)، دکترین نبرد زمینی در محیط جنگ ناهمتر از با رویکرد دفاع همه
 جانبه، فصلنامه سیاست دفاعی، زمستان، سال بیست و دوم، شماره ۸۵.
 لاتین:

ALDosari, N. R. (2015). Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad
 There is One Foreign Policy in Iran, which is Khamenei's Foreign Policy.
 Foreign Policy, 2(1).

Leftwich, Adrian(2010). Beyond institutions: Rethinking the role of
 leaders, elites and coalitions in the institutional formation of
 developmental states and strategies." Forum for Development Studies.
 Vol. 37. No. 1. Routledge.

Mearsheimer, John J(2001). The Tragedy of Great Power Politics, New
 York: Norton.

Waltz, Kenneth H (1979). Theory of International Politics, New York: Randon House.

- Amirzadeh, Reza; Zeynali, Sadeq and Zamani Rad, Hojjat (2016). The role of Shi'I values in public diplomacy. Tehran: Geopolitics Quarterly. Vol.12, No.2 [In Persian].

Bahman, Shoab (2014). Geopolitics of Shiism in Central Asia. Tehran: Andyshsazan Nour Publications. [In Persian].

- Birnbaum, M (2017), Tillerson Clashes with NATO Allies on Defense Spending at Brussels Meeting, Washington Post, March 31.

Davtalab, M.R; And Others(2020), Donald Trump Foreign Policy In Syrian Crisis And Its Threats And Opportunities For The Islamic Republic Of Iran, Geopolitics Quarterly, Volume 16, Issue 57, Pp 208-245.

Sayler, Kelley M. (2020). Emerging Military Technologies: Background and Issues for Congress. Publishing: Congressional Research Service. Washington DC.

Luketic, N. (2013). Future Technology Themes: 2030 to 2060. DEFENCE SCIENCE AND TECHNOLOGY ORGANISATION FISHERMANS BEND (AUSTRALIA).